

## تحدید حدود دریایی در دریای کارائیب و اقیانوس آرام بین کاستاریکا و نیکاراگوئه براساس حقوق بین الملل

بابک معمار

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل در دانشگاه شهید بهشتی

**چکیده:** تحدید حدود در دریای کارائیب بیشتر از آنکه تحت تأثیر موضوعات جغرافیایی قرار گیرد از پیچیدگی‌های موضوعات غیرجغرافیایی مانند تنوع کشورها از جنبه تاریخی، سیاسی و اقتصادی برخوردار است که می‌تواند هر اختلاف را به یک پرونده خاص تبدیل کند. در این مقاله اختلاف بین کاستاریکا و نیکاراگوئه در تحدید حدود دریایی در دریای کارائیب و اقیانوس آرام که در حکم دیوان بین‌المللی دادگستری (از این پس «دیوان») در تاریخ 2 فوریه 2018 مورد رسیدگی قرار گرفته است، ارزیابی می‌شود. همچنین پرونده «مرز خشکی در بخش شمالی آیلاپورتیوس» به‌طور مختصر توضیح داده می‌شود؛ زیرا نحوه تعیین نقطه مبدا در باریکه خشکی سمت شرق انتهای رودخانه سن‌خوان، بر روی تحدید حدود دریای سرزمینی تأثیر می‌گذارد. از آنجا که در این تحقیق به شیوه تحدید حدود دریایی واحد بین دو کشور توسط دیوان پرداخته می‌شود، فصول و ترتیب آن نیز گام به گام متناسب با فصول رأی دیوان توضیح داده می‌شود تا با حفظ سلسله مراتب موجود در حکم، پیگیری و درک موضوع آسان‌تر باشد. روش این تحقیق با تکیه بر برخی از آرای قبلی دیوان در سایر پرونده‌ها توصیفی است و به این موضوع می‌پردازد که چگونه دیوان با توجه به شرایط، از روش‌هایی استفاده می‌کند که حتی المقدور منجر به صدور رای با توجه به شرایط ویژه شود.

**واژگان کلیدی:** تحدید حدود دریایی، دریای سرزمینی، منطقه انحصاری اقتصادی، فلات قاره، خط منصف

## 1) مقدمه

به عنوان مختصری از تاریخچه پرونده می‌توان گفت که جمهوری کاستاریکا (از این پس «کاستاریکا») اقامه دعوی علیه جمهوری نیکاراگوئه (از این پس «نیکاراگوئه») را در دیوان بین‌المللی دادگستری در تاریخ 25 فوریه 2014 ثبت کرد؛ به‌طوری که در این اختلاف «مرزهای دریایی واحد بین دو کشور به ترتیب در دریای کارائیب و اقیانوس آرام از طریق تحدید حدود تمام مناطق دریایی هر یک از آنها، براساس اصول و قواعد حاکم مربوط به حقوق بین‌الملل تعیین شود».

در تاریخ 16 ژانویه 2017، کاستاریکا علیه نیکاراگوئه در مورد «مکان دقیق مرز خشکی بین لاس‌پورتیوس/اسد شنی تالاب دماغه لنگرگاه<sup>1</sup> و آیلاپورتیوس<sup>2</sup>» و «ایجاد یک کمپ نظامی در ساحل آیلاپورتیوس» (از این پس پرونده «بخش شمالی آیلاپورتیوس»)، اقامه دعوی کرد. کاستاریکا ضمن اشاره به صلاحیت دیوان، درخواست کرد که براساس ماده 47 مقررات دیوان، این پرونده به پرونده تحدید حدود دریایی بپیوندد. دیوان در تاریخ 2 فوریه 2017 تصمیم به یکپارچه شدن این دو پرونده گرفت.

از آنجا که کنوانسیون حقوق دریاها در بند 15 مربوط به تحدید حدود دریای سرزمینی، به اوضاع و احوال خاص و در بند 74 و 83 به ترتیب مربوط به تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره، به راه‌حل منصفانه اشاره کرده است، فرض بر این است که دیوان به استناد این مواد و با استفاده از رویه‌های قبلی خود که طی سالیان گذشته در تحدید حدود دریایی ایجاد و بهینه شده، عادلانه‌ترین روش را در پیش گیرد.

## 2) صلاحیت دیوان و شروع به کار آن

کاستاریکا با اشاره به بیانیه خود مورخ 20 فوریه 1973 تحت بند 2 از ماده 36 اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری و همچنین نیکاراگوئه با بیانیه مورخ 1929 (و اصلاحیه مورخ 23 اکتبر 2001) تحت ماده 36 دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری و مطابق با بند 5 ماده 36 اساسنامه دیوان فعلی که در آن صلاحیت اجباری دیوان مورد پذیرش واقع شده است، دیوان بین‌المللی دادگستری جهت ورود به این پرونده را دارای صلاحیت دانست. همچنین کاستاریکا به ماده 31 معاهده آمریکایی حل منازعات اقیانوس آرام (معروف به میثاق بوگوتا) به عنوان مبنایی برای صلاحیت دیوان استناد کرد. این موضوع باعث شد تا دیوان خود را در اختلاف مربوط به هر دو پرونده پیش‌گفته دارای صلاحیت در نظر بگیرد.

به دلیل آنکه در دیوان هیچ قاضی با ملیت این دو کشور وجود نداشت، هر یک از دو کشور براساس بند 3 از ماده 31 اساسنامه از حق خود برای انتخاب «قاضی اختصاصی<sup>3</sup>» در پرونده تحدید حدود دریایی استفاده کردند. کاستاریکا آقای برونو سیمما<sup>4</sup> و نیکاراگوئه آقای شوکت الخساونه<sup>5</sup> را انتخاب کرد. همچنین دو کشور مجدداً این دو قاضی را برای پرونده دوم یعنی پرونده «بخش شمالی آیلاپورتیوس» انتخاب کردند. در نهایت، دیوان کار خود بر روی این دو پرونده را که با هم ادغام شده بودند، با یک رئیس، یک معاون، 12 قاضی و 2 قاضی اختصاصی شروع کرد.

در این راستا، رئیس دیوان طی حکم 16 ژوئن 2016 دو کارشناس برای این پرونده انتخاب کرد که اولی آقای اریک فوئاچی<sup>6</sup>، پروفیسور جغرافی با ملیت فرانسوی و آقای فرانسیسکو گوتیرز<sup>7</sup>، پروفیسور زمین‌شناسی با ملیت اسپانیایی بود. این دو پس از انتخاب، دیوان را مطلع کردند که انجام دو بازدید از رودخانه سن‌خوان ضروری است. بازدید اول باید در اوایل ماه دسامبر باشد که دوره پرباران بوده و بیشترین تخلیه رودخانه به دریا اتفاق می‌افتد و بازدید دوم باید در ماه مارس یا اوایل ماه آوریل باشد که دوره کم‌باران و خشک‌تر رودخانه است. این بازدیدها طبق برنامه به ترتیب در دسامبر 2016 و مارس 2017 انجام شدند.

<sup>1</sup> Los Portillos/Harbor Head Lagoon sandbar

<sup>2</sup> Isla Portillos

<sup>3</sup> Judge ad hoc

<sup>4</sup> Mr. Bruno Simma

<sup>5</sup> Mr. Awn Shawkat Al-Khasawneh

<sup>6</sup> Mr. Eric Fouache

<sup>7</sup> Mr. Francisco Gutiérrez

در اقامه دعوی در خصوص پرونده «تحدید حدود دریایی»، کاستاریکا ضمن درخواست از دیوان مبنی بر حل اختلاف براساس حقوق بین الملل، مختصات طول و عرض جغرافیایی نقاطی که با اتصال به یکدیگر، دریای سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی را در دریای کارائیب و اقیانوس آرام بین کاستاریکا و نیکاراگوئه مشخص می کرد، با توجه به نظرات و محاسبات خود به دیوان ارائه داد. نیکاراگوئه نیز در پاسخ، مختصات طول و عرض جغرافیایی نقاط تعیین کننده مورد نظر خود را به دیوان ارائه داد. همچنین دولت های هر دو کشور از دیوان درخواست کردند که مختصات طرف مقابل را رد کرده و فقط مختصات خودشان را به عنوان مختصات نهایی تعیین کننده خط مقسم بپذیرد.

در اقامه دعوی در خصوص پرونده «بخش شمالی آیلاپورتیوس»، کاستاریکا از دیوان درخواست کرد که اولاً براساس حکم دیوان مورخ 16 دسامبر 2015 بر روی پرونده «فعالیت های مشخص»<sup>8</sup>، نظر نیکاراگوئه در خصوص قلمرواش در امتداد ساحل دریای کارائیب بین تالاب دماغه لنگرگاه و دهانه رودخانه سن خوان غیرقابل تایید است و با وجود سد شنی فقط فاصله بین کوتاه ترین خطوطی که دو طرف دهانه تالاب را به دریای کارائیب وصل می کند، همراه با تالاب به عنوان یک ناحیه محاط در داخل کشور کاستاریکا، جزو قلمروی کشور نیکاراگوئه مورد قبول است. دوماً استقرار کمپ نظامی توسط نیکاراگوئه در نقض حکم دیوان در پرونده «فعالیت های مشخص»، ناقض تمامیت ارضی و یکپارچگی قلمرو کاستاریکا است. نیکاراگوئه در پاسخ اعلام کرد که اولاً امتداد ساحل که مماس بر دریای کارائیب بوده و بین تالاب دماغه لنگرگاه و دهانه رودخانه سن خوان قرار می گیرد، متعلق به قلمروی نیکاراگوئه است و دوماً کمپ نظامی مستقرشده توسط نیکاراگوئه، در قلمروی نیکاراگوئه قرار دارد.

### 3) سابقه کلی

#### الف) جغرافیایی

کاستاریکا و نیکاراگوئه در آمریکای مرکزی قرار دارند و دارای مرز خشکی مشترکی هستند که دریای کارائیب در شرق را به اقیانوس آرام در غرب متصل می کند. نیکاراگوئه در بالای این مرز و کاستاریکا در پایین آن قرار دارد. نیکاراگوئه در شمال دارای مرز با هندوراس بوده و کاستاریکا در جنوب دارای مرز با پاناما است.

بخش شمالی آیلاپورتیوس منطقه ای با وسعت تقریبی 17 کیلومتر مربع است که از طرف غرب به رودخانه سن خوان و از طرف شمال به دریای کارائیب محدود می شود. انتهای شمال غربی آیلاپورتیوس، یک باریکه شنی با طول متغیر است که مسیر نهایی رودخانه را در دهانه آن به سمت غرب منحرف می کند. همچنین در ساحل آیلاپورتیوس یک تالاب قرار دارد که نیکاراگوئه آن را «تالاب دماغه لنگرگاه» می نامد و توسط یک سد شنی از دریای کارائیب جدا می شود.

نیکاراگوئه در فاصله تقریبی 26 مایل دریایی خارج از ساحل اصلی خود در دریای کارائیب دارای چندین جزیره و صخره است که مهم ترین آنها جزایر کورن<sup>9</sup> (کورن بزرگ و کورن کوچک) بوده و دارای جمعیت تقریبی 7400 نفری هستند.

در طرف اقیانوس آرام، ساحل نیکاراگوئه نسبتاً مستقیم است و در جهت شمال غرب به جنوب شرق امتداد می یابد. ساحل کاستاریکا مارپیچی تر بوده و شامل شبه جزیره سانتا النا، نیکویا و اوسا<sup>10</sup> است.

#### ب) سابقه تاریخی

دیوان در اختلاف های بین طرفین به سابقه تاریخی دهه 1850 نیز توجه دارد که شامل معاهده 1858 بین دو کشور مذکور است و بر طبق ماده 2 آن مسیر مرز خشکی بین کاستاریکا و نیکاراگوئه تعیین می شود. به دنبال چالش در اعتبار این معاهده، طرفین در یک سند امضاشده در سال 1886 از آقای کلیولند، رئیس جمهور ایالات متحده، درخواست داوری کردند. حکم کلیولند در سال 1888، تایید اعتبار معاهده 1858 بود و اینکه مرز بین دو کشور کاستاریکا و نیکاراگوئه در سمت اقیانوس اطلس (که منظور سمت دریای کارائیب است) از انتهای پونتا د کاستلا<sup>11</sup> در دهانه رودخانه سن خوان متعلق به

<sup>8</sup> The Certain Activities case

<sup>9</sup> The Corn Islands

<sup>10</sup> Santa Elena, Nicoya and Osa

<sup>11</sup> Punta De Castilla

نیکاراگوئه شروع می‌شود. به دنبال آن طرفین موضوع، کنوانسیون علامت‌گذاری مرزی را منعقد کردند و ضمن تشکیل دو کمیسیون از دو کشور، یک مهندس به نام ژنرال الکساندر نیز از طرف کلیولند با اختیارات گسترده در این رابطه انتخاب شد. مرزی که با صدور رای اول وی در بخش شمالی آیلاپورتیوس تعیین شد، تحت عنوان «کانال اول» بود که بعداً در حکم دیوان در سال 2015 بدین صورت شرح داده شد که «آنچه که داور به عنوان کانال اول در نظر گرفت انشعابی از پایین رودخانه سن‌خوان بود که در ادامه به سمت «تالاب دماغه لنگرگاه» جاری شده و به داخل آن می‌ریخت».

از زمان صدور حکم‌های ژنرال الکساندر به بعد، تغییرات مهمی در جغرافیای منطقه آیلاپورتیوس رخ داد. به‌طوری‌که در سال 2010 اختلاف بین دو کشور کاستاریکا و نیکاراگوئه بر سر این منطقه افزایش یافت و باعث شد تا در حکم دیوان در سال 2015 اثرات این تغییرات بر روی قلمروی دو کشور در نظر گرفته شود. دیوان در این حکم چنین تصریح کرد که «تمامیت ارضی قلمروی کاستاریکا به ساحل سمت راست در پایین رودخانه سن‌خوان تا دهانه رودخانه در دریای کارائیب گسترش یافته است.» در دو پرونده حاضر نیز مسیر مرز خشکی در امتداد این قسمت از ساحل دریای کارائیب که وضعیت نقطه شروع دریای سرزمینی بین دو کشور را نیز تعیین می‌کند، مورد اختلاف می‌باشد.

#### ج) تحدید حدودهای قبلی در دریای کارائیب و اقیانوس آرام

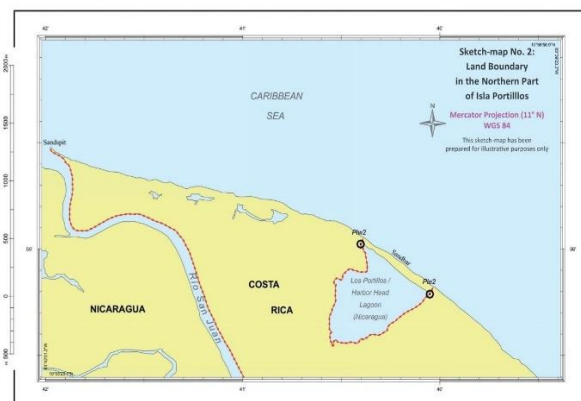
کاستاریکا در سال 1980 معاهده‌ای با پاناما برای تحدید حدود در دریای کارائیب و اقیانوس آرام امضا کرد که در سال 1982 لازم‌الاجرا شد. در سال 1977 بین کاستاریکا و کلمبیا معاهده‌ای برای تحدید حدود دریایی امضا شد که هیچگاه تصویب نشد. تحدید حدود در دریای کارائیب بین نیکاراگوئه و هندوراس و بین نیکاراگوئه و کلمبیا به ترتیب طی احکام دیوان در سال 2007 و 2012 انجام شد. یک معاهده تحدید حدود در دریای کارائیب بین پاناما و کلمبیا نیز در سال 1977 لازم‌الاجرا شد. همچنین نیکاراگوئه تا صدور حکم 2018 دیوان، هیچ تحدید حدودی در اقیانوس آرام انجام نداده بود.

#### 4) مرز خشکی در بخش شمالی آیلاپورتیوس

##### الف) موضوعات مربوط به تمامیت ارضی

دیدگاه‌های دو کشور در خصوص بخش شمالی آیلاپورتیوس کاملاً مختلف و متضاد بود. تفسیر کاستاریکا از حکم دیوان در سال 2015 این بود که ساحل آیلاپورتیوس متعلق به کاستاریکا است و این تصمیم دیوان از اعتبار «امر مختومه»<sup>۱۲</sup> برخوردار است. نیکاراگوئه چنین استدلال کرد که در حکم دیوان محل دقیق مرز در نقاط بین انتهای شمال غرب تالاب و دهانه رودخانه سن‌خوان تعیین نشده است؛ بنابراین قلمرو در ساحل آیلاپورتیوس تعیین نشده باقی می‌ماند.

ارزیابی این موضوع از طریق کارشناسان منتخب دیوان انجام شد. کارشناسان مشاهده کردند که کانالی بین رودخانه سن‌خوان و تالاب به دلیل پس‌رفت ساحلی دیگر وجود ندارد؛ بنابراین نمی‌توان از طریق آن مرزی را تعیین کرد. در نهایت علی‌رغم اعتراض نیکاراگوئه مبنی بر تعیین مرز براساس محل تقریبی کانال پیشین، کارشناسان توضیح دادند که این کانال ناپدید شده است. به دنبال آن دیوان تعیین کرد که تمام آیلاپورتیوس تا جایی که رودخانه به دریای کارائیب می‌رسد، در قلمروی کاستاریکا قرار دارد. بدین ترتیب نقطه شروع در مرز خشکی نقطه‌ای است که در حال حاضر بر روی انتهای دماغه شنی که در ساحل سمت راست دهانه رودخانه سن‌خوان ایجاد شده، قرار می‌گیرد. دیوان همچنین اظهار کرد که با توافق طرفین، هم تالاب دماغه لنگرگاه و هم سد شنی که آن را از دریای کارائیب جدا می‌کند، تحت قلمروی نیکاراگوئه است. شکل 1 را مشاهده کنید.



شکل 1: مرز خشکی در بخش شمالی آیلاپورتیوس

#### (ب) نقض تمامیت ارضی کاستاریکا

در ارتباط با استقرار کمپ نظامی توسط نیکاراگوئه و با مشخص شدن قلمروی دو کشور در بخش شمالی آیلاپورتیوس، دیوان استقرار کمپ در نزدیک سد شنی (و نه بر روی آن) را نقض تمامیت ارضی کاستاریکا دانست؛ هر چند دیوان اعلام کرد که حکمش در سال 2015 به دلیل عدم تعیین مرز ساحلی، نقض نشده است. بنابراین رای به برچیدن کمپ از قلمروی کاستاریکا و جبران مناسب خسارت توسط نیکاراگوئه داده شد.

#### (ج) ارزیابی وضعیت تالاب

از بین رفتن کانال اول و عدم رجوع دیوان به مختصات تقریبی آن در گذشته باعث شد تا با این حکم نقطه شروع مرز دریایی به نفع کاستاریکا، از اطراف تالاب دماغه لنگرگاه به سمت باریکه خشکی در انتهای شرقی رودخانه سن خوان منتقل شود. براساس این تصمیم، یک منطقه آبی محاط در قلمروی کاستاریکا ایجاد شد که تحت حاکمیت نیکاراگوئه بوده و کاستاریکا نیز این موضوع را پذیرفته است؛ ولی نیکاراگوئه برای دسترسی به آن باید از دریای سرزمینی کاستاریکا گذر کند که شاید این موضوع در آینده منجر به اختلاف شود.

#### 5) تحدید حدود دریایی در دریای کارائیب

دیوان برای تحدید حدود دریایی مناطق مختلف در دریای کارائیب سه فعالیت به شرح زیر انجام داد:

الف) تعیین نقطه شروع تحدید حدود دریایی؛

ب) تحدید حدود دریای سرزمینی؛

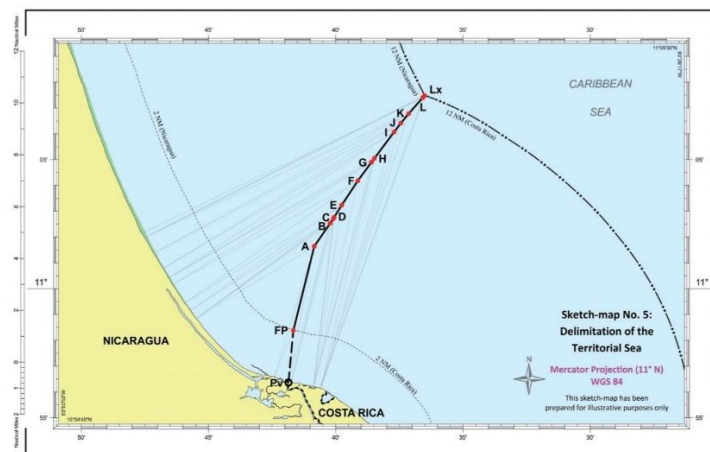
ج) تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره.

## الف) تعیین نقطه شروع تحدید حدود دریایی

کاستاریکا درخواست کرد تا نقطه شروع تحدید حدود از دهانه رودخانه سن خوان باشد و بر روی زمین سخت و ثابت در قاعده محل پیشروی خشکی آیلاپورتیوس (یعنی در قاعده باریکه‌ی آن) قرار گیرد. نیکاراگوئه با اشاره به حکم کلیولند و معاهده 1858 اظهار کرد خط مرز خشکی که از انتهای پونتا د کاستلا در دهانه رودخانه نیکاراگوئه‌ای سن خوان شروع می‌شود، به عنوان نقطه شروع تحدید حدود دریایی استفاده شود.

کاستاریکا پس از نظر اولیه خود مبنی بر انتخاب یک نقطه شروع بر روی خشکی، یک پیشنهاد جایگزین به دیوان ارائه داد که در آن یک نقطه ثابت<sup>۱۳</sup> در دریا بر روی خط منصف<sup>۱۴</sup> و در فاصله 3 مایل دریایی از ساحل تعیین شود و یک خط آن را به دهانه رودخانه سن خوان متصل کند به‌طوری‌که این خط متحرک بوده و نقطه ثابت در دریا مانند لولا برای این خط متحرک در نظر گرفته شود.

ابتدا دیوان اظهار کرد از آنجا که نقطه شروع مرز زمینی در حال حاضر در انتهای باریکه‌ی شنی رودخانه سن خوان در جایی که به دریا می‌ریزد، قرار می‌گیرد، همان نقطه به‌طور معمول نقطه شروع تحدید حدود دریایی خواهد بود؛ ولی به دلیل ناپایدار بودن خط ساحلی در این ناحیه که منجر به عدم شناسایی نقطه ثابت بر روی آن می‌شود، ترجیح داده شد تا یک نقطه ثابت (FP) در دریا انتخاب شده و توسط یک خط متحرک به نقطه شروع (PV) در ساحل متصل شود. بنابراین، با در نظر گرفتن این حقیقت که پدیده غالب در خط ساحلی رودخانه سن خوان، پس‌رفت از طریق فرسایش ناشی از دریا است، دیوان قرار گرفتن یک نقطه ثابت در دریا و در فاصله 2 مایل دریایی از ساحل را که بر روی خط منصف قرار گیرد، مناسب تشخیص داد. این نقطه در شکل 2 قابل مشاهده است.



**شکل 2: تحدید حدود دریای سرزمینی در دریای کارائیب**

این تصمیم قاعدتاً براساس این پیش‌بینی صورت گرفته که اگر نقطه شروع مرز دریایی بر روی باریکه خشکی قرار می‌گرفت، فرسایش آن متعاقباً بر روی تمام مناطق دریایی دو کشور اثر گذاشته و قطعاً تا فاصله 200 مایلی، سهم قابل توجهی از مساحت مناطق دریایی را بین طرف‌ها تغییر می‌داد. به همین دلیل تعیین یک نقطه ثابت در فاصله 2 مایلی که بر

<sup>13</sup> Fixed Point

<sup>14</sup> Equidistance line

روی خط منصف فعلی قرار داشته باشد، از به وجود آمدن این مشکل در آینده خودداری کرده و در نهایت فقط ممکن است با تغییر ناشی از این باریکه خشکی، کمی از مساحت دریای سرزمینی بین دو کشور تغییر کند که در این فاصله اندک، آن نیز قابل چشم‌پوشی خواهد بود.

#### ب) تحدید حدود دریای سرزمینی

از آنجا که هر دو کشور، عضو کنوانسیون ملل متحد در حقوق دریاها هستند، تحدید حدود دریای سرزمینی بر طبق ماده 15 کنوانسیون به شرح زیر برای هر دو طرف قابل اجرا است:

«در مواردی که سواحل دو کشور مقابل یا مجاور یکدیگرند، هیچ کدام از آنها نمی‌توانند دریای سرزمینی خود را از خط میانه‌ای<sup>15</sup> که هر نقطه آن از نزدیکترین نقاط روی خط مبدا عرض دریای سرزمینی آنها به یک اندازه است جلوتر برونند، مگر آن که بین دو کشور برخلاف این اصل توافق شده باشد. مقررات این ماده شامل مواردی که به خاطر ملاحظات تاریخی یا اوضاع و احوال خاص دیگر لازم باشد که حدود دریای سرزمینی دو کشور به روشی غیر از مقررات این بند تعیین شود، نمی‌گردد.» (رابین چرچیل و آلن لو، 1401)

با آنکه هر یک از دو کشور در مورد ویژگی‌های ساحلی خود نظرات مختلفی داشتند و نیکاراگوئه برخلاف کاستاریکا معتقد بود که تقعر و تحدب خط ساحلی در دهانه رودخانه سن‌خوان باید به عنوان «اوضاع و احوال خاص» در نظر گرفته شود، ولی هر دو موافق بودند که برای تحدید حدود دریای سرزمینی، ابتدا تعیین «خط منصف» ضروری است. در نهایت دیوان تصمیم گرفت که در دو مرحله تحدید حدود دریای سرزمینی را انجام دهد: ابتدا یک خط منصف اولیه رسم کند؛ و سپس وجود یا عدم وجود اوضاع و احوال خاص را به گونه‌ای در نظر بگیرد که انجام تنظیمات بر روی چنین خطی دارای توجیه باشد. دیوان فعالیت اول را بر اساس نقاط مبنا بر روی ساحل طبیعی دو کشور انجام داد. همچنین دیوان بر این نظر بود که مناسب‌تر این است که نقطه ثابت بر روی خط منصف در دریا به یک نقطه بر روی زمین خشک و ثابت بر روی ساحل کاستاریکا به نام Pv با مختصات عرض جغرافیایی  $10^{\circ} 56' 22.56''$  و طول جغرافیایی  $83^{\circ} 41' 51.81''$  که نزدیک‌ترین محل به دهانه رودخانه است، متصل شود.

دیوان پس از آن اثر ترکیبی ناشی از تقعر ساحل غربی دهانه رودخانه سن‌خوان در نیکاراگوئه و تحدب ساحل کاستاریکا در شرق آن را دارای اهمیت کمی دانست و آن را به عنوان اوضاع و احوال خاص که بتواند تنظیمات بر روی خط منصف را توجیه کند، در نظر نگرفت.

همچنین ناپایداری سد شنی جداکننده‌ی تالاب دماغه لنگرگاه از دریای کارائیب و موقعیت این تالاب به عنوان یک مکان محاط در قلمرو کاستاریکا را دلیلی برای اوضاع و احوال خاص که منجر به ایجاد تغییر در خط منصف شود، ندانست. بنابراین با این شرایط، برای هیچ یک از طرف‌ها در تحدید حدود دریایی، استحقاق ناشی از مکان محاط در نظر گرفته نشد.

در نهایت تحدید حدود دریای سرزمینی با اتصال نقطه شروع Pv بر روی ساحل کاستاریکا (در نزدیک‌ترین نقطه به دهانه رودخانه سن‌خوان) به نقطه ثابت در فاصله دو مایل دریایی از ساحل و از آنجا با اتصال از طریق خطوط مستقیم به ترتیب

<sup>15</sup> منظور از تحدید حدود دریایی با شیوه منصف در برخی از منابع حقوق بین‌الملل، اشاره به کاربرد خطوط مبدا در قبال دولت‌های ساحلی مقابل یا مجاور یکدیگر است که از طریق خطوطی شامل خطوط میانه برای سواحل مقابل یکدیگر (Median line) و خطوط هم‌فاصله (منصف) برای سواحل مجاور یکدیگر (Equidistance line) برای تقسیم مناطق دریایی استفاده می‌شود.



به نقاط هم‌فاصله از سواحل دو کشور با مشخصه A تا L و سپس Lx تعیین شد. مجموع این خطوط 12 مایل دریایی شد که پایان آن در نقطه Lx با مختصات عرض جغرافیایی  $28.8^{\circ} 07' 11^{\circ}$  و طول جغرافیایی  $83^{\circ} 36' 30.4''$  منطبق بر نقطه شروع منطقه انحصاری اقتصادی بود. تحدید حدود دریای سرزمینی در شکل 2 مشاهده می‌شود.

تصمیم دیوان در عدم پذیرش تقعر و تحدب در انتهای سمت راست دهانه رودخانه سن خوان منطقی به نظر می‌رسد؛ زیرا این تقعر و تحدب باعث شرایط خاص برای نیکاراگوئه مانند مسدود کردن دسترسی بخشی از دریای سرزمینی به سایر مناطق دریایی‌اش یا محدود کردن قابل ملاحظه‌ی مساحت دریای سرزمینی آن نمی‌شود. اگر به رویه‌های قضایی در پرونده‌هایی که موجب اوضاع و احوال خاص بابت تحدب و تقعر سواحل می‌شود، مراجعه گردد، مشاهده می‌شود که اغلب یک کشور در بین دو کشور دیگر دارای سواحل مقعر است؛ به‌طوری‌که این تقعر باعث عدم بهره‌مندی آن کشور از مساحتی عادلانه از دریای سرزمینی و یا متعاقباً منطقه انحصاری و اقتصادی‌اش می‌شود. در صورتی‌که تقعر و تحدب در انتهای سمت راست دهانه رودخانه سن خوان دارای چنین شرایطی نیست.

#### ج) تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره

از آنجا که هر دو کشور طرف پرونده، عضو کنوانسیون ملل متحد در حقوق دریاها هستند، تحدید حدود دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره بر طبق ماده 74 و 83 کنوانسیون به شرح زیر برای هر دو طرف قابل اجرا است:

«برای دستیابی به یک راه‌حل منصفانه، حدود منطقه انحصاری اقتصادی (یا حدود فلات قاره بر طبق ماده 83) بین کشورهای دارای سواحل مقابل یا مجاور طبق توافق و قرارداد آنها بر اساس حقوق بین‌الملل به نحو مذکور در ماده 38 اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، تعیین خواهد شد.» (منصور پورنوری و محمد حبیبی، 1383)

دیوان برای رسیدن به یک مرز مشترک دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره در دریای کارائیب بین نیکاراگوئه و کاستاریکا مراحل زیر را انجام داد (Stepien, 2017-2018):

- 1) تعیین «سواحل موثر» در تحدید حدود؛
- 2) تعیین «ناحیه موثر» در تحدید حدود؛
- 3) اثر معاهدات و احکام دوجانبه مربوط به کشورهای ثالث؛
- 4) ترسیم خط منصف اولیه؛
- 5) انجام تنظیمات بر روی خط منصف اولیه؛
- 6) انجام آزمون عدم تناسب.

#### 1) تعیین «سواحل موثر» در تحدید حدود

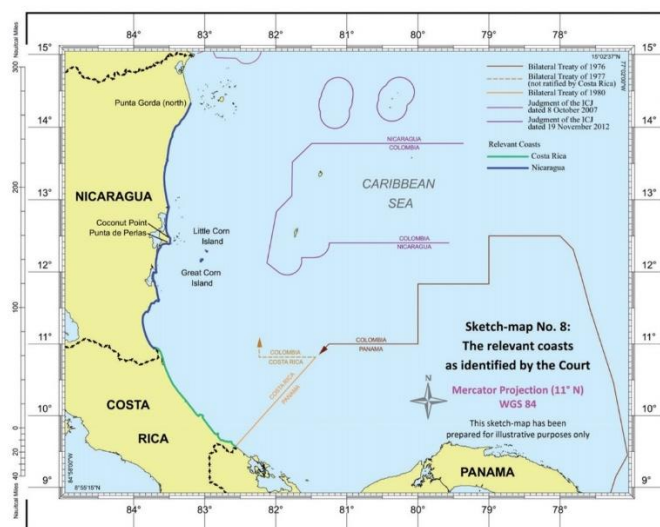
یک گام ضروری در تحدید حدود دریایی، تعیین سواحل موثر است. این سواحل برآمدگی‌هایی ایجاد می‌کنند که با برآمدگی‌های ساحل طرف دیگر دارای هم‌پوشانی است. هر دو کشور برای تعریف معیاری در خصوص تعیین برآمدگی‌های موثر دارای هم‌پوشانی، به علم حقوق دیوان و رای داوری در مرز دریایی خلیج بنگال ارجاع دادند.

با وجود اختلاف بین دو کشور، دیوان چنین اظهار کرد که تمام ساحل سرزمین اصلی کاستاریکا، ساحل موثر است و



ساحل سرزمین اصلی نیکاراگوئه تا پونتا گوردا<sup>۱۶</sup> در شمال، یعنی جایی که در آن ساحل دارای یک خمش قابل ملاحظه می‌شود، ساحل موثر است. سمتی از سواحل جزایر کورن<sup>۱۷</sup> که در جهتی غیر از جهت شمال بودند، شامل سواحل موثر شدند؛ ولی جزیره کیوس دِ پرلاس<sup>۱۸</sup> به دلیل نبود شواهدی مبنی بر وجود جمعیت انسانی و زندگی اقتصادی، شامل سواحل موثر نشد.

سواحل این دو کشور در واقع مشخصه سواحل مارپیچی<sup>۱۹</sup> را ندارند؛ بنابراین طول سواحل موثر ترجیحاً باید براساس شکل طبیعی‌شان اندازه‌گیری شوند. نتیجه آن شد که مجموع طول سواحل موثر کاستاریکا 228,8 کیلومتر و سواحل نیکاراگوئه 465,8 کیلومتر اندازه‌گیری شد که با نسبت 1 به 2,04 به نفع نیکاراگوئه بود. شکل 3 را مشاهده کنید.



شکل 3: تعیین سواحل موثر توسط دیوان در دریای کارائیب

## 2) تعیین «ناحیه موثر» در تحدید حدود

دیوان در حکم مربوط به اختلاف سرزمینی و دریایی بین نیکاراگوئه و کلمبیا اشاره کرده است که «ناحیه موثر شامل بخشی از مساحت دریا است که در آن استحقاق‌های بالقوه‌ی طرفین هم‌پوشانی دارد». همچنین دیوان در حکم تحدید حدود دریایی بین رومانی و اوکراین در دریای سیاه چنین نظر داد که «مفهوم حقوقی ناحیه موثر باید به عنوان بخشی از متدولوژی تحدید حدود دریایی در نظر گرفته شود».

علاوه بر این، در حکم بین نیکاراگوئه و کلمبیا قید شده است که ناحیه موثر می‌تواند با توجه به شکل سواحل موثر در بافت جغرافیایی کلی، شامل مساحت مشخصی از دریا شود و سایر مساحت‌هایی را که وابسته به موضوع در دست اقدام نیست، شامل نشود. در این راستا طرفین موافقت کردند که این ناحیه موثر نباید شامل مساحت‌های منتسب به کلمبیا بر اساس حکم 2012 و همچنین مساحت‌های منتسب به پاناما براساس معاهده دوجانبه منعقدشده با کاستاریکا شود.

دیوان چنین نظر داد که به استثنای مساحت منتسب به کلمبیا براساس حکم 2012، این ناحیه موثر که در شمال

<sup>16</sup> Punta Gorda

<sup>17</sup> Corn Islands

<sup>18</sup> Cayos de Perlas

<sup>19</sup> Sinuosity

با برآمدگی‌هایی دارای هم‌پوشانی است، تمام مساحت دریایی قرارگرفته تا فاصله 200 مایلی ساحل کاستاریکا را شامل می‌شود. ولی موقعیت در جنوب به دلیل وجود ادعای کشورهای ثالث که دیوان نمی‌تواند خودش برای آنها حکم صادر کند، پیچیده‌تر است. دیوان تحلیل بیشتر در این مورد را در قسمت «آزمون عدم تناسب» انجام داد.

### (3) اثر معاهدات و احکام دوجانبه مربوط به کشورهای ثالث

در ناحیه دریای کارائیب که از دیوان درخواست شده تا مرز دریایی بین طرف‌ها را در آن تعیین کند، کشورهای ثالث نیز می‌توانند مدعی باشند. همانطور که در اختلاف دریایی بین نیکاراگوئه و کلمبیا بیان شده، حکم دیوان فقط می‌تواند در مورد مرز دریایی بین طرف‌ها صادر شود؛ بدون آنکه به هر ادعایی توسط کشور ثالث یا هر ادعایی که می‌تواند توسط هر یک از طرف‌ها بر علیه کشور ثالث باشد، خدشه‌ای وارد شود.

علی‌رغم ارجاع نیکاراگوئه به معاهدات موجود با کشورهای ثالث در منطقه کارائیب، دیوان چنین نظر داد که معاهده 1976 بین پاناما و کلمبیا که کشورهای ثالث هستند، نمی‌تواند برای تحدید حدود دریایی بین طرف‌های این پرونده در نظر گرفته شود. همچنین، در رابطه با معاهده بین کاستاریکا و کلمبیا هیچ شاهدهی مبنی بر کناره‌گیری کاستاریکا از استحقاق‌های دریایی‌اش وجود ندارد.

### (4) ترسیم خط منصف اولیه

به منظور تعیین یک مرز دریایی واحد برای منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره، دیوان باید به یک راه‌حل منصفانه بر اساس مواد 74 و 83 از کنوانسیون حقوق دریاها دست پیدا می‌کرد. بنابراین دیوان همان متدولوژی را که در تحدید حدود دریایی بین رومانی و اوکراین در دریای سیاه در سه فاز به‌کار گرفته بود، در این پرونده نیز استفاده کرد. بر اساس این متدولوژی، ابتدا یک خط منصف اولیه با استفاده از مناسب‌ترین نقاط مبنا بر روی سواحل موثر طرف‌ها ترسیم می‌شود. دوم، وجود اوضاع و احوال موثر (خاص) که قادر به توجیه تنظیماتی بر روی خط منصف اولیه باشد، در نظر گرفته می‌شود. سوم، امکان عدم تناسب بین طول سواحل موثر طرف‌ها و مناطق دریایی تعیین‌شده برای طرف‌ها ارزیابی می‌شود. دیوان یادآوری کرد که سایر دادگاه‌های بین‌المللی نیز از این روش استفاده کرده‌اند که به عنوان مثال می‌توان به حکم دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها در خلیج بنگال در مورد تحدید حدود دریایی بین بنگلادش و میانمار اشاره کرد (Arbitration, 2014).

دیوان، فاز اول تحدید حدود دریایی بین رومانی و اوکراین در دریای سیاه را به شرح زیر بیان کرد که نشان می‌دهد این خط به شدت وابسته به جغرافیای واقعی ساحل و بیشترین نقاط رو به دریا در هر دو ساحل است (ICJ, 2009):

«ابتدا، دیوان یک خط منصف اولیه با استفاده از روش‌هایی که از نظر هندسی عملی بوده و برای جغرافیای ناحیه‌ای که تحدید حدود در آن رخ می‌دهد، مناسب باشد، ترسیم می‌کند. این خط منصف تا اندازه‌ای که مربوط به تحدید حدود سواحل مجاور باشد، ترسیم خواهد شد؛ مگر آنکه در موردی خاص، دلایل متقاعدکننده‌ای که این کار را غیرممکن کند، وجود داشته باشد.»

علی‌رغم اعتراض کاستاریکا به ادعای نیکاراگوئه مبنی بر در نظر گرفتن نقاط مبنا بر روی جزایر کورن و جزایر کوچک پالمنتا کیز<sup>20</sup> و پاکسارو بوو<sup>21</sup>، دیوان نتیجه گرفت که به منظور ترسیم خط منصف اولیه باید نقاط مبنا بر روی جزایر

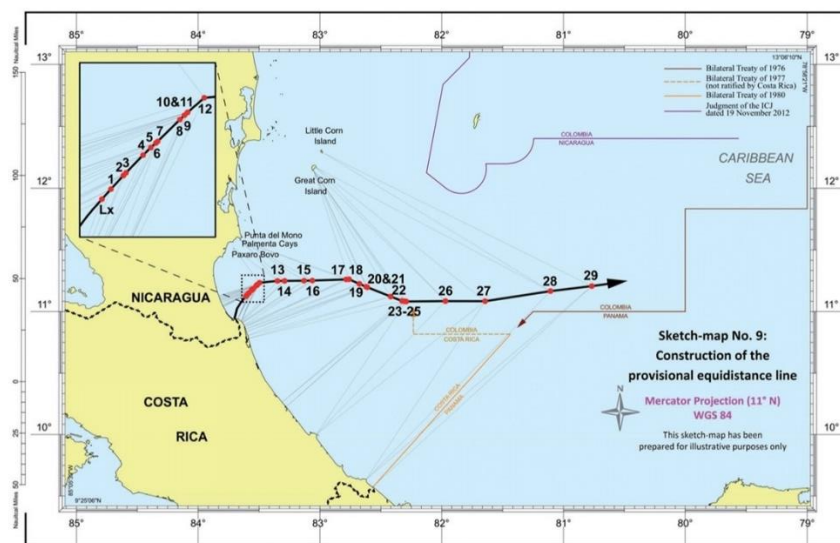
<sup>20</sup> Palmenta Cays

<sup>21</sup> Paxaro Bovo

کورت قرار گیرند؛ زیرا این جزایر دارای جمعیت کافی و زندگی اقتصادی پایدار هستند و الزامات ماده 121 کنوانسیون را تامین می‌کنند و هم بر روی دو جزیره دیگر قرار گیرند که به دلیل نزدیکی به ساحل، با آن تلفیق می‌شوند.

تفاوت در ویژگی‌های جزایر متعلق به دولت‌های ساحلی باعث شده تا در رویه‌های مراجع قضایی و داوری در تحدید حدود دریایی، اثرهای مختلفی به آنها اعطاء شود؛ به‌طوری‌که با توجه به این رویه‌ها، میزان اثر یک جزیره با توجه به ویژگی‌های آن قابل‌پیش‌بینی باشد. در این پرونده بابت هر اثری که به جزایر مختلف دو کشور توسط دیوان داده شده است، می‌توان یک نمونه قبلی در رویه‌های قضایی یافت که مشابه با آن باشد. برای مثال، اولین بار در دیوان داوری در قضیه اریتره و یمن در سال 1999، «معیار انسجام» به عنوان معیاری برای دادن اثر کامل حقوقی به جزایر ارائه شد. در این پرونده نیز در خصوص جزایری که نزدیک به ساحل و بخش جدانشدنی از سرزمین اصلی بودند، رویکرد دیوان، اعطای اثر کامل به آنها بود.

نقطه پایانی تحدید حدود دریای سرزمینی یعنی LX به عنوان نقطه شروع خط منصف اولیه برای منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره در نظر گرفته شد و به پیشنهاد طرف‌ها از نقاط مبنا که بر روی سواحل طبیعی دو کشور قرار گرفته است، برای ترسیم خط منصف استفاده شد. در نهایت، این خط از 29 نقطه مقسم تشکیل شد و از نقطه انتهایی آن یک خط مستقیم با آزیموت  $82^{\circ} 08' 29''$  ادامه یافت. شکل 4 را مشاهده کنید.



شکل 4: ایجاد خط منصف اولیه در دریای کارائیب

#### 5) انجام تنظیمات بر روی خط منصف اولیه

بر اساس حکم دیوان در تحدید حدود دریایی بین رومانی و اوکراین در دریای سیاه، دیوان پس از ایجاد خط منصف اولیه، فاز دوم را بدین گونه اجرا کرد که برای دستیابی به نتیجه منصفانه، براساس فاکتورهای بتوان خط منصف اولیه را تنظیم یا جابجا کرد. (ICJ, 2009)

نیکاراگوئه اثر قطع<sup>۲۲</sup> حاصل از تحذب و ماهیت رو به سمت شمال خط ساحلی کاستاریکا در باریکه شرقی در انتهای

<sup>22</sup> Cut-off effect

رودخانه سن خوان را که بلافاصله در مجاورت خط ساحلی مقعر نیکاراگوئه قرار می‌گیرد، به عنوان اوضاع و احوال خاص معرفی کرد. اوضاع و احوالی که علاوه بر تنظیم خط منصف منطقه انحصاری اقتصادی باید خط منصف دریای سرزمینی را نیز اصلاح کند. کاستاریکا ضمن غیرقابل اجتناب بودن اثر تحذب و تقعر خط ساحلی، آن را اوضاع و احوال خاص ندانسته و در مقابل ادعا می‌کند که ساحل کشور خودش دارای تقعر کلی نسبت به سواحل دو کشور مجاورش است که باعث ایجاد اثر بازدارنده شده و تنظیم خط منصف را واجب می‌کند. همچنین کاستاریکا معتقد است که جزایر کورن باید بی‌اثر در نظر گرفته شوند.

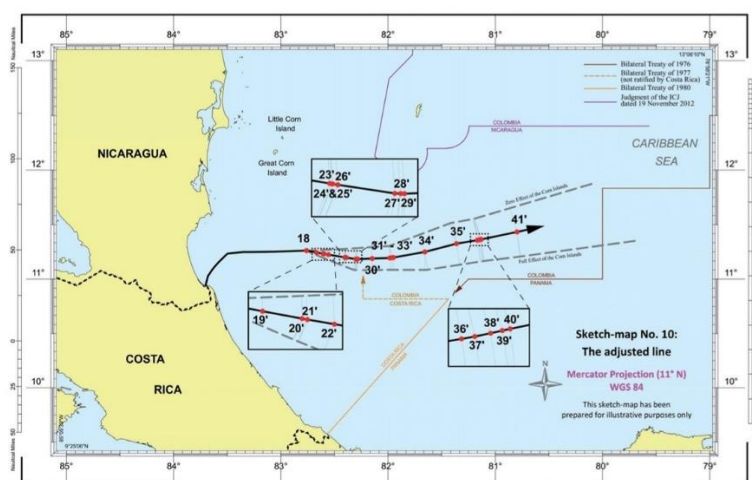
دیوان در مورد جزایر کورن چنین اظهار کرد: در حالی که این جزایر استحقاق ایجاد یک منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره را دارند، آنها در فاصله 26 مایلی ساحل اصلی قرار داشته و اثرشان بر خط منصف اولیه نسبت به اندازه محدودشان، خارج از تناسب است. بنابراین با توجه به این دو دلیل مناسب است که به آنها اثر نیمه داده شود.

مراجع داوری و قضایی در کل با توجه به ویژگی‌های هر جزیره، میزان اثر آن را بر روی مرز تحدید حدود دریایی مشخص می‌کنند. به عنوان مثال در داوری بین انگلستان و فرانسه، به جزیره فرانسوی که در 10 مایلی ساحل قرار داشته، اثر کامل داده شده و به جزیره انگلیسی که در فاصله 21 مایلی ساحل انگلستان قرار داشته، اثر نیمه اعطاء شده است (International Arbitral Awards, 1977). در صورتی که در اختلاف بین اریتره و یمن، خط مبدا دریای سرزمینی از حاشیه بیرونی مجموعه جزایر دالاکس<sup>23</sup> که در محدوده 24 مایلی ساحل کشور اریتره قرار داشتند، عبور کرد. به عبارت دیگر، آب‌های درون این مجموعه جزایر به عنوان آب‌های داخلی در نظر گرفته شد (Arbitration, 1999). در رای مربوط به نیکاراگوئه و کلمبیا، دیوان نقاط مبنا را بر روی مجمع‌الجزایر سن‌آندره<sup>24</sup> قرار داد که بیش از 200 مایل از سواحل کلمبیا فاصله دارند (ICJ, 2012). البته ضمن آنکه برای هر سه مثال پیش‌گفته، دلایل موجهی توسط مرجع بین‌المللی بیان شده است، می‌توان وضعیت جغرافیایی جزایر کورن را مشابه با جزیره انگلیسی در مثال اول دانست که منجر به صدور رای مشابه با آن نیز شده است.

همچنین، دیوان اثر تحذب و تقعر در زبانه شرقی در انتهای رودخانه سن خوان را اثری محدود دانست که از اهمیت کافی برخوردار نیست. دیوان تقعر کلی ساحل کاستاریکا و ارتباطش با پاناما را نیز برای تغییر خط منصف موجه ندانست. بنابراین خط منصف جدید با اعمال اثر نیمه برای جزایر کورن با 41 نقطه مقسم ترسیم شد که 18 نقطه اول آن به همراه نقطه Lx مشابه خط منصف اولیه بود. همچنین از نقطه انتهایی، یک خط مستقیم با آزیموت 08° 49' 77" ادامه یافت. در نهایت دیوان به منظور ساده‌سازی خط منصف، تعداد نقاط را به 10 نقطه که با حروف M تا V نشان داده شده‌اند، فروکاست که در شکل 5 مشاهده می‌شود.

<sup>23</sup> Dahlaks

<sup>24</sup> San Andres



شکل 5: انجام تنظیمات بر روی خط منصف اولیه در دریای کارائیب

با نگاهی به سواحل سه کشور پاناما، کاستاریکا و نیکاراگوئه می‌توان نتیجه گرفت که نظر دیوان در عدم‌پذیرش تقعر کلی ساحل شرقی کاستاریکا به نسبت ابعاد سواحل هر سه کشور، تصمیمی منطقی بوده است؛ زیرا ابعاد سواحل به گونه‌ای است که محدودیت جدی یا هر شرایط خاص دیگری برای مناطق دریایی کاستاریکا ایجاد نمی‌کند.

#### 6) انجام آزمون عدم تناسب<sup>25</sup>

دیوان مجدداً به روش خود در تحدید حدود دریایی بین رومانی و اوکراین در دریای سیاه اشاره کرد که:

«در نهایت در فاز سوم، دیوان راستی‌آزمایی می‌کند که این خط (یعنی خط منصف اولیه‌ای که شاید با در نظر گرفتن اوضاع و احوال خاص تنظیم شده باشد یا نشده باشد) از طریق هرگونه عدم تناسب قابل ملاحظه‌ای بین نسبت طول ساحل‌های موثر دو کشور با نسبت بین ناحیه دریایی موثر هر کشور ناشی از خط تحدید حدود آنها، منجر به نتیجه‌ای ناعادلانه نمی‌شود.» (ICJ, 2009)

دیوان همچنین در رای مربوط به اختلاف دریایی بین نیکاراگوئه و کلمبیا، در مورد فاز سوم توضیح داده است که وظیفه دیوان بررسی وجود یک عدم تناسب قابل ملاحظه است و محاسبه ناحیه موثر به معنی محاسبه خیلی دقیق آنها نیست، بلکه محاسبه به طور تقریبی انجام می‌شود. ضمن آنکه هدف از تحدید حدود، دستیابی به یک تحدید حدود عادلانه است، نه یک سهم برابر از ناحیه دریایی (ICJ, 2012).

دیوان چنین نظر داد که اختصاص مقداری از مساحت دریا به یک کشور ثالث، بر روی ناحیه موثری که مختص هر یک از طرف‌ها است، اثر منفی می‌گذارد. بنابراین از آنجاکه مساحتی از دریا که به کشورهای ثالث اختصاص دارد، نمی‌تواند در اختلاف فعلی شناسایی شود، محاسبه دقیق بخشی از ناحیه موثر هر یک از طرف‌ها غیرممکن می‌شود. با وجود این، به منظور

<sup>25</sup> در مورد آزمون عدم تناسب می‌توان به اصل «تناسب» اشاره کرد که اولین بار در رای دیوان در پرونده فلات قاره دریای شمال در سال 1969 مطرح و استفاده شد. در بند 98 آن سه ویژگی خاص جغرافیایی برای استفاده از اصل تناسب به شرح زیر بیان شده بود که یک نوآوری در احکام دیوان به حساب می‌آمد:

- 1) وجود سواحل مجاور؛
- 2) وجود عوارض ساحلی خاص (مانند تحدب و تقعر)؛
- 3) برابری کردن سواحل ذی ربط تا حد قابل قبول.

راستی آزمایی وجود یا عدم وجود یک عدم تناسب فاحش، محاسبه‌ی تقریبی ناحیه موثر کافی است. در نهایت، دیوان در این پرونده محاسبات براساس پیشنهاد کاستاریکا مبنی بر «ادامه فرضی خط مرزی کاستاریکا-پاناما» را مناسب تشخیص داد. بر مبنای موارد پیش گفته، ناحیه موثر هر کشور که از طریق مرز دریایی تقسیم شده‌اند، به نیکاراگوئه مساحت 73,968 کیلومتر مربع و به کاستاریکا مساحت 30,873 کیلومتر مربع اختصاص یافت که نسبت آنها یک به 2/4 است. مقایسه این نسبت با نسبت طول سواحل موثر بین دو کشور که یک به 2/04 است، نشان می‌دهد که هیچ عدم تناسب قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد. بنابراین خط منصف نهایی همان خط منصف تعیین شده در فاز قبلی است. می‌توان گفت که آزمون عدم تناسب در واقع نقش آزماینده صحت کار را ایفا می‌نماید و هرگز نقطه شروع در فرایند تهدید حدود نیست (علی صابر نژاد علویان و مرتضی نجفی اسفاد، 1398).

## 6) تحدید حدود دریایی در اقیانوس آرام

دیوان در تحدید حدود دریایی برای دریای سرزمینی، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره در اقیانوس آرام از روش‌های مشابه با تحدید حدود دریایی در دریای کارائیب استفاده کرد که به شرح زیر است (Stepien, 2017-2018):

الف) تعیین نقطه شروع تحدید حدود دریایی؛

ب) تحدید حدود دریای سرزمینی؛

ج) تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره.

الف) تعیین نقطه شروع تحدید حدود دریایی

کاستاریکا و نیکاراگوئه در انتخاب نقطه‌ای به عنوان نقطه شروع مرز دریایی در اقیانوس آرام هم نظر بودند. این نقطه در وسط خطی فرضی بود که در دهانه خلیج سالیناس<sup>26</sup> کشیده شده بود و نقطه‌ای از قلمرو کاستاریکا را به نقطه‌ای از قلمرو نیکاراگوئه وصل می‌کرد. این نقطه دارای عرض جغرافیایی  $56.3^{\circ} 03' 11^{\circ}$  و طول جغرافیایی  $85^{\circ} 44' 28.3^{\circ}$  بود که مورد پذیرش دیوان قرار گرفت.

ب) تحدید حدود دریای سرزمینی

دیوان برای تحدید حدود دریای سرزمینی به ماده 15 کنوانسیون حقوق دریاها که در تحدید حدود دریای سرزمینی در حوزه کارائیب نیز به آن استناد کرده بود، ارجاع داد. همچنین دیوان یادآور شد کاستاریکا از خط مبدا مستقیم در اقیانوس آرام استفاده کرده که در 14 اکتبر 1988 طی فرمانی آن را منتشر کرده است. نیکاراگوئه نیز اعتراضی به آن نداشته است. هر دو کشور کاستاریکا و نیکاراگوئه نقاط مبدا خود بر روی سواحل و جزایر کوچک نزدیک به سواحل را تعیین کردند که با موافقت طرف مقابل همراه بود. با وجود این، نیکاراگوئه شبه جزیره سانتا الena<sup>27</sup> در کاستاریکا را دارای اثری می‌دانست که خط منصف را از شکل طبیعی خود خارج می‌کرد و برآمدگی‌های ساحلی نیکاراگوئه در دریای سرزمینی را تحت تاثیر قرار می‌داد.

دیوان دلیلی ندید که از نقاط مبدائی که توسط طرف‌ها انتخاب شده است، استفاده نکند. همچنین دیوان یادآوری کرد که جزایر کوچک، صخره‌ها و برآمدگی‌های کوچک ساحلی می‌توانند دارای اثر عدم تناسب بر روی خط منصف باشند؛ در

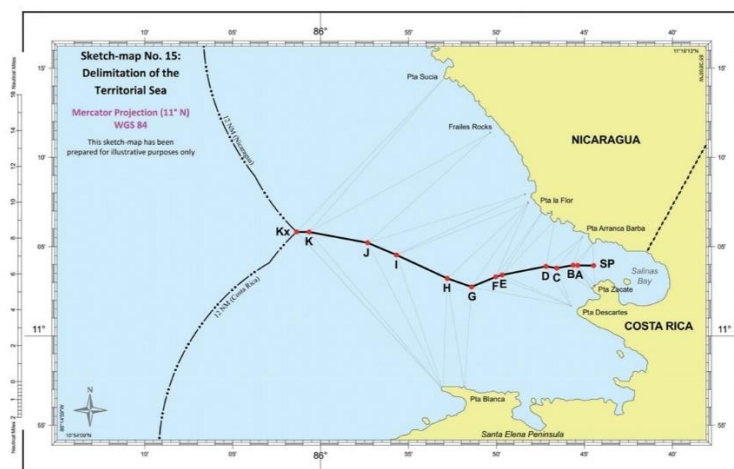
<sup>26</sup> Salinas Bay

<sup>27</sup> Santa Elena Peninsula



صورتی که شبه جزیره سانتا النا یک بخش بزرگی از ساحل کاستاریکا در مجاورت خلیج سالیناس است و نمی توان آن را به عنوان برآمدگی کوچک ساحلی دانست. علاوه بر آن، تنظیمات پیشنهادی نیکاراگوئه در دریای سرزمینی، مرز را به سمت ساحل کاستاریکا می کشاند که بر روی برآمدگی های ساحلی آن اثر قطع قابل ملاحظه ای می گذارد.

دیوان نتیجه گرفت که دریای سرزمینی در اقیانوس آرام بین طرفها باید از طریق خط منصف و از نقطه شروع پیش گفته تعیین حدود شود. در نهایت تعیین حدود دریای سرزمینی با اتصال نقطه شروع SP به نقاط هم فاصله از سواحل دو کشور با مشخصه های A تا K و سپس KX تعیین شد. مجموع این خطوط 12 مایل دریایی شد که پایان آن در نقطه KX با مختصات عرض جغرافیایی  $11^{\circ} 05' 49.5''$  و طول جغرافیایی  $86^{\circ} 01' 21.7''$  مطابق بر نقطه شروع منطقه انحصاری اقتصادی بود. شکل 6 را مشاهده کنید.



**شکل 6: تعیین حدود دریای سرزمینی در اقیانوس آرام**

(ج) تعیین حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره

دیوان در راستای پیروی از مواد 74 و 83 کنوانسیون حقوق دریاها، برای رسیدن به یک مرز مشترک دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره در اقیانوس آرام بین نیکاراگوئه و کاستاریکا مراحل زیر را انجام داد:

- (1) تعیین «سواحل موثر» در تعیین حدود؛
- (2) تعیین «ناحیه موثر» در تعیین حدود؛
- (3) ترسیم خط منصف اولیه؛
- (4) انجام تنظیمات بر روی خط منصف اولیه؛
- (5) انجام آزمون عدم تناسب.



## (1) تعیین «سواحل موثر» در تعیین حدود

دو کشور کاستاریکا و نیکاراگوئه در مورد سواحل و ناحیه موثر دارای اختلاف نظر بودند. آنچه که هر دو طرف بر روی آن توافق داشتند این بود که کشیدگی ساحل کاستاریکا از کابو بلانکو<sup>28</sup> در جهت شمال شرق به سمت خلیج نیکویا<sup>29</sup> و از آنجا در جهت پایین تا پونتا هرادورا<sup>30</sup> جزو ساحل موثر به حساب نمی آید که دیوان نیز آن را پذیرفت.

از آنجا که ساحل کاستاریکا در اقیانوس آرام دارای درجه معینی از مارپیچی بودن است، دیوان تصمیم گرفت که سواحل موثر هر دو کشور را از طریق خطوط مستقیم شناسایی کند. دیوان تمام ساحل نیکاراگوئه از پونتا آرانکا باربا<sup>31</sup> تا پونتا کاسیگونا<sup>32</sup> را ساحل موثر در نظر گرفت. بنابراین، با شناسایی و اندازه گیری خط مستقیم ساحلی، طول ساحل موثر نیکاراگوئه 292,7 کیلومتر شد.

دیوان ساحل موثر کاستاریکا را به دو بخش مجزا تقسیم کرد که بخش اول آن شامل خط مستقیمی است که چند نقطه از ساحل را به هم متصل می کند و از پونتا زاکاته<sup>33</sup> شروع شده و در کابو بلانکو پایان می یابد. بخش دوم نیز شامل خط مستقیمی است که چند نقطه از ساحل را به هم متصل می کند و از پونتا هرادورا شروع شده و در پونتا سالسیپودس<sup>34</sup> پایان می یابد. بنابراین، با شناسایی و اندازه گیری خط مستقیم ساحلی، طول ساحل موثر کاستاریکا 416,4 کیلومتر شد.

استفاده دیوان از خط مبدا مستقیم برای دو کشور با سواحل مختلف دارای این مزیت است که بین کشوری با ساحل مستقیم (در این پرونده ساحل نیکاراگوئه در اقیانوس آرام) و کشوری با ساحل محدب یا مقعر (در این پرونده ساحل کاستاریکا در اقیانوس آرام)، تعادل ایجاد می شود و متعاقباً طول سواحل موثر نیز عادلانه تر تعیین می شوند.

## (2) تعیین «ناحیه موثر» در تعیین حدود

در این پرونده، از نظر دیوان استحقاق های بالقوه دریایی که در بخش شمالی و در بخش جنوبی کاستاریکا هر دو ایجاد شده است، با استحقاق های بالقوه دریایی ایجاد شده با نیکاراگوئه هم پوشانی دارد. ناحیه موثر در شمال بوسیله یک خط مستقیم محدود می شود که در پونتا کاسیگونا عمود بر خط مستقیم فرضی در راستای جهت کلی ساحل نیکاراگوئه است. ناحیه موثر در غرب و در جنوب بوسیله منحنی هایی محدود می شود که استحقاق های بالقوه دریایی طرف ها در آن هم پوشانی دارند.

امتداد ساحل کاستاریکا از کابو بلانکو در جهت شمال شرق به سمت خلیج نیکویا و از آنجا در جهت پایین تا پونتا هرادورا استحقاق های بالقوه دریایی که با استحقاق های بالقوه دریایی نیکاراگوئه هم پوشانی داشته باشد، ایجاد نمی کند. بنابراین، دیوان دریافت که ناحیه دریایی میان خط ساحلی که کابو بلانکا را به پونتا هرادورا متصل می کند و تقریباً متناظر با آب های خلیج نیکویا است، بخشی از ناحیه موثر برای تعیین حدود به حساب نمی آید. با این شرایط، ناحیه موثر تقریباً 164,500 کیلومتر مربع اندازه گیری شد.

<sup>28</sup> Cabo Blanco

<sup>29</sup> Nicoya Gulf

<sup>30</sup> Punta Herradura

<sup>31</sup> Punta Arranca Barba

<sup>32</sup> Punta Cosigüina

<sup>33</sup> Punta Zacate

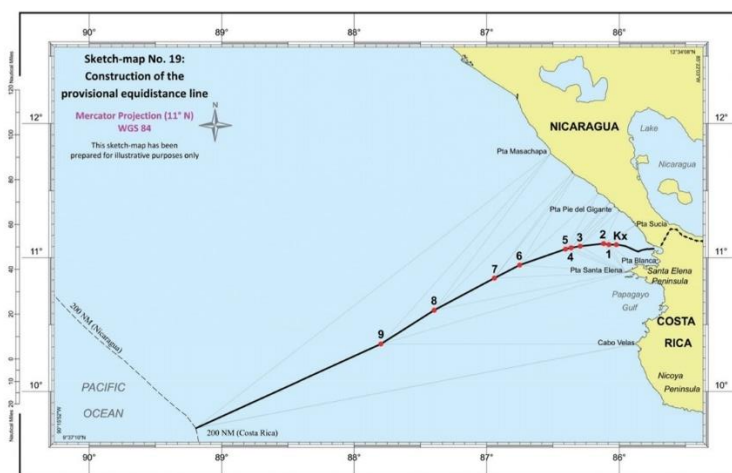
<sup>34</sup> Punta Salsipuedes

در تعیین ناحیه موثر بین این دو کشور در اقیانوس آرام مشاهده می‌شود که علاوه بر معیار فاصله‌ی 200 مایل، معیار وابسته به شکل برآمدگی‌های ساحلی نیز تاثیرگذار است. به عبارت دیگر آب‌های جنوب و جنوب شرقی دهانه خلیج نیکویا با آنکه در فاصله‌ای به مراتب کمتر از 200 مایل نسبت به نقطه صفر مرزی دو کشور در ساحل اقیانوس آرام قرار دارد، ولی به دلیل وجود شبه‌جزیره نیکویا که به‌عنوان یک مانع و سد عمل می‌کند، بخشی از مساحت ناحیه موثر در نظر گرفته نشد.

### (3) ترسیم خط منصف اولیه

دیوان رضایت داد که نقاط مبداء منتخب توسط طرف‌ها برای ترسیم خط منصف اولیه در اقیانوس آرام مناسب است. خط منصف اولیه بوسیله نقاط منتخب 1 تا 8 که بر روی شبه‌جزیره سانتا النا در کاستاریکا قرار داشتند و همچنین بوسیله نقطه منتخب 9 که بر روی شبه‌جزیره نیکویا در کاستاریکا قرار داشت، مهار شد.

نقطه پایانی تحدید حدود دریای سرزمینی یعنی Kx به عنوان نقطه شروع خط منصف اولیه برای منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره در اقیانوس آرام در نظر گرفته شد که به دنبال آن 9 نقطه مقسم قرار گرفت و همه آنها به ترتیب با خطوط مستقیم به یکدیگر متصل شدند. در نهایت، از نقطه انتهایی آن یک خط مستقیم با آزیموت  $245^{\circ} 38' 27.4''$  ادامه یافت. شکل 7 را مشاهده کنید.



شکل 7: ایجاد خط منصف اولیه در اقیانوس آرام

### (4) انجام تنظیمات بر روی خط منصف اولیه

برای انجام تنظیمات بر روی خط منصف اولیه، طرف‌ها بر روی دو موضوع اختلاف داشتند: اول اینکه آیا شبه‌جزیره سانتا النا منجر به یک اثر قطع ناعادلانه بر روی برآمدگی‌های ساحلی نیکاراگوئه می‌شود و دوم آیا وجود شبه‌جزیره نیکویا به‌طور مشابه چنین اثر ناعادلانه‌ای را ایجاد می‌کند یا خیر.

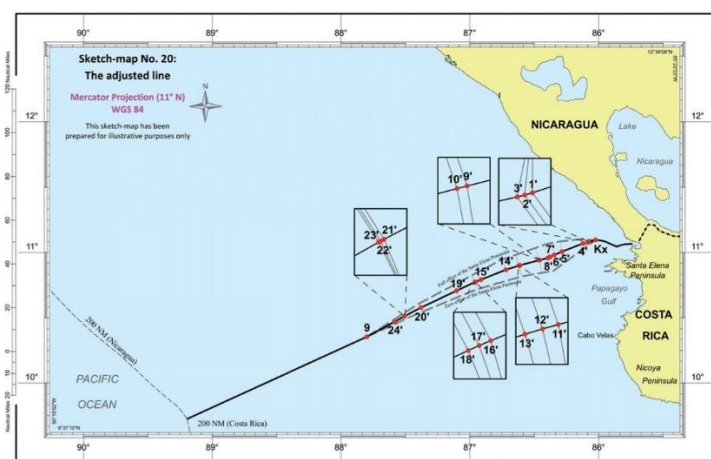
دیوان قبلاً دریافته بود که اثر ایجاد بوسیله شبه‌جزیره سانتا النا در دریای سرزمینی، تنظیمات بر روی خط منصف اولیه را تا مسافت 12 مایل دریایی توجیه نمی‌کند. با وجود این، شرایط در فاصله 12 تا 120 مایل در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره متفاوت است. در این حالت، دیوان نقاط مبداء قرارگرفته بر روی شبه‌جزیره سانتا النا را دارای اثر

عدم تناسب بر روی جهت خط منصف اولیه در نظر گرفت. به عبارت دیگر، دیوان در ماورای دریای سرزمینی، اثر این شبه جزیره را بر روی خط منصف اولیه که منجر به اثر قطع قابل ملاحظه بر روی برآمدگی‌های ساحلی نیکاراگوئه می‌شود، قابل ملاحظه در نظر گرفت. از نظر دیوان این اثر ناعادلانه است و باید تنظیمات بر روی خط منصف اولیه انجام شود. بنابراین دیوان به نقاط مبداء قرار گرفته بر روی شبه جزیره سانتا النا اثر نیمه اعطاء کرد.

دیوان در مورد اثر شبه جزیره سانتا النا بر روی خط منصف دریای سرزمینی و خط منصف منطقه انحصاری اقتصادی، دو رویکرد مختلف نشان داد که در ابتدا متناقض به نظر می‌آیند. دیوان در مورد دریای سرزمینی که در محدوده 12 مایلی از خط مبداء قرار دارد، شبه جزیره سانتا النا را بزرگ در نظر گرفته و به آن اثر کامل می‌دهد. در صورتی که در مورد منطقه انحصاری اقتصادی که در محدوده 200 مایلی از خط مبداء قرار دارد، تصریح می‌کند که این شبه جزیره کوچک بوده و دارای اثر نیمه بر روی خط منصف است. با نگاهی به شکل‌های 6 و 8 سازگاری این دو رویکرد به ظاهر متفاوت، در دو سایز مختلف مشخص می‌شود و می‌توان چنین نتیجه گرفت که رای صادرشده منصفانه است.

در مورد شبه جزیره نیکویا، دیوان یادآوری کرد که آن یک منطقه خشکی بسیار بزرگ است که یک هفتم قلمرو کاستاریکا را شامل می‌شود و دارای جمعیت زیاد است. دیوان با اشاره به تحدید حدود مرز دریایی بین کانادا و آمریکا در خلیج منطقه مین، شبه جزیره نیکویا را با شبه جزیره نووا اسکاتین قابل مقایسه دانست و بنابراین اثر آن را نیز اثر کامل برای تحدید حدود در اقیانوس آرام در نظر گرفت.

بنابراین خط منصف جدید با اعمال اثر نیمه برای شبه جزیره سانتا النا، با 24 نقطه مقسم جدید ترسیم شد که جایگزین 8 نقطه اول قبلی شدند. این 24 نقطه در واقع مابین دو نقطه قبلی یعنی نقطه شروع Kx و نقطه پایانی شماره 9 قرار گرفتند. همچنین از نقطه انتهایی، یک خط مستقیم با آزمون  $27.4^{\circ} 38' 24.5''$  ادامه یافت که در شکل 8 مشاهده می‌شود. در نهایت دیوان به منظور ساده سازی خط منصف، تعداد نقاط را به 8 نقطه که با حروف L تا S نشان داده شده بود، فروکاست.



شکل 8: انجام تنظیمات بر روی خط منصف اولیه در اقیانوس آرام

#### 5) انجام آزمون عدم تناسب

بر مبنای اندازه گیری‌های انجام شده، ناحیه موثر هر کشور که از طریق مرز دریایی در اقیانوس آرام تقسیم شده‌اند،

تقریباً به نیکاراگوئه مساحت 71,500 کیلومتر مربع و به کاستاریکا مساحت 93,000 کیلومتر مربع اختصاص یافت که نسبت آنها یک به 1/30 است. مقایسه این نسبت با نسبت طول سواحل موثر بین دو کشور که یک به 1/42 است، نشان می‌دهد که عدم تناسب قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد. بنابراین خط منصف نهایی همان خط منصف تعیین شده در فاز قبلی است.

## 7) نتیجه‌گیری

می‌توان چنین اظهارنظر کرد که فراهم کردن مقدمات و تمهیدات لازم توسط دیوان بین‌المللی دادگستری از جمله استفاده از قضات باتجربه و کارشناسان متخصص برای پرونده‌های تحدید حدود دریایی به‌ویژه پرونده بین کاستاریکا و نیکاراگوئه در دریای کارائیب و اقیانوس آرام باعث شده تا رای دیوان با بهترین استدلال‌ها و مدارک فنی قابل استناد صادر شود. بنابراین تصمیماتی که به اتفاق آراء یا با اکثریت آراء توسط این افراد گرفته می‌شود، معمولاً بهترین تصمیم با در نظر گرفتن شرایط ویژه آن پرونده و اوضاع و احوال خاص آن به حساب می‌آید؛ به‌ویژه آنکه رای صادر شده مزین به نظر و مشاوره کارشناسان فنی باتجربه‌ای است که نظر خود را براساس بازدیدهای میدانی ارائه کرده‌اند. بنابراین به عنوان نتیجه ارزیابی این پرونده به موارد کلی زیر اکتفا می‌شود.

در رابطه با تحدید حدود دریایی بین کشورهای مجاور و مقابل، قواعد شفاف و متحدالشکلی در کنوانسیون 1982 حقوق دریاها که مهم‌ترین سند حقوق بین‌الملل دریاها است، وجود ندارد. نبود چنین قواعدی از یک طرف دست مراجع بین‌المللی را در روش تحدید حدود باز گذاشته و باعث ایجاد انعطاف در صدور رای می‌شود و از طرف دیگر امکان پیش‌بینی حکم را دشوار می‌کند. این پارادوکس و خلاء به‌ویژه در تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره که از پیچیدگی‌های بیشتر برخوردار است، به‌وضوح مشاهده می‌شود. بنابراین باید در این خصوص به رویه‌های مراجع دآوری و قضایی که به تدریج در طی سالیان متمادی شکل گرفته و تکامل یافته‌اند، رجوع کرد. یکی از منسجم‌ترین رویه‌های قضایی که در تحدید حدود دریایی منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره شکل گرفته است، تحدید حدود دریایی در دریای سیاه بین رومانی و اوکراین در سه فاز جداگانه در سال 2009 می‌باشد که دیوان در پرونده حاضر نیز به نحو موثری از آن بهره جسته است. این رویه قضایی باعث شد تا در تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره بین قابل پیش‌بینی بودن قواعد تحدید حدود دریایی و انعطاف‌پذیر بودن آنها که همواره چالش برانگیز بوده است، تعادل مناسبی ایجاد شود. البته مراجع دآوری و قضایی همیشه هر سه فاز مربوط به تحدید حدود دریایی منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره را رعایت نمی‌کنند و به عنوان مثال در برخی از پرونده‌ها به جای آنکه در ترسیم خط منصف، برای جزایر نقشی قائل شده و سپس در فاز اوضاع و احوال خاص به میزان اثر آنها بپردازند، از همان ابتدا خط منصف را بدون در نظر گرفتن جزایر، ترسیم می‌کنند. نتیجه ارزیابی این پرونده نشان می‌دهد که دیوان هر سه فاز را به‌طور کامل در سواحل هر دو سمت یعنی دریای کارائیب و اقیانوس آرام پیاده‌سازی کرده که می‌توان این رویکرد را از نقاط قوت این پرونده دانست.

## Abstract

Differences between coastal States in Caribbean sea that result in special case often stem from historical, political, and economic factors rather than geographical issues. This study focuses on disputes between Costa Rica and Nicaragua concerning maritime delimitation in the Caribbean sea and pacific ocean which was addressed by the ICJ in 2018. Furthermore, the land boundary in the northern part of Isla Portillos has been clarified following the determination of the origin point at the eastern border of the San Juan river that impacts on delimitation of territorial sea. As the ICJ ruled on this delimitation, this study aligns with its judgment, employing a discretionary method. The findings illustrate how the ICJ applies rules based on specific conditions.

**Keywords:** delimitation, territorial sea, exclusive economic zone, continental shelf, equidistance line

### منابع

#### - فارسی

##### الف) کتابها

- 1) پورنوری، منصور؛ حبیبی، محمد (1383) حقوق بین الملل دریاها-کنوانسیون حقوق دریاها (مصوب 1982)، چ اول، انتشارات مهد حقوق.
- 2) چرچیل، رابین؛ لو، آلن (1401) حقوق بین الملل دریاها، ترجمه بهمن آقایی، چ یازدهم، تهران، انتشارات گنج دانش.

##### ب) مقاله‌ها

- 3) صابر نژاد علویان، علی؛ نجفی اسفاد، مرتضی (1398) «اصل تناسب در تحدید حدود مناطق دریایی از منظر رویه قضایی بین المللی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره 49، ش 1، 159-176.

#### - انگلیسی

##### A) Articles

- 4) Stepien, B. (2017-2018) Maritime delimitation in the Caribbean sea and the Pacific ocean (Costa Rica v. Nicaragua), Instituto de Investigaciones Juridicas (IIJ) of the National Autonomous University of Mexico (UNAM)

##### B) Cases

- 5) Anglo-French Continental Shelf Arbitration, Reports of International Arbitral Awards, 1977.
- 6) Costa Rica v. Nicaragua Case, ICJ Reports, 2018.
- 7) Eritrea /Yemen arbitration, 1999.
- 8) North Sea Continental shelf Case, ICJ Reports, 1969.
- 9) Nicaragua v. Colombia Case, ICJ Reports, 2012.
- 10) Romania v. Ukraine Case, ICJ Reports, 2009.
- 11) Bangladesh /India Case, Arbitration, Jun. 17, 2014

